

گفت وگو با امیراطهر سهیلی، کارگردان مشهدی پرتره مستند «فرهت»

نمی‌توانم از مستند دل بکنم

مستند پرتره «فرهت» زندگی دکتر احمدشاه فرهت، پزشک افغانستانی متخصص اطفال در مشهد را به تصویر می کشد

الهام ظریفیان

امیر اطهر سهیلی نویسنده، منتقد، مدرس، فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان سینما و تلویزیون اهل مشهد است. نخستین فیلم سینمایی او «زنانی که با گرگ‌ها دویده‌اند، است. سهیلی تاکنون کارگردانی تله‌فیلم‌های «یک خیانت منصفانه»، «سمفونی کاغذ‌های خط‌خطی»، «طرقه، و «سوم شخص مفرد، را برعهده داشته‌است. این هنرمند مشهدی همچنین سه سال پیش قسمت‌هایی از فصل دوم مستند، شما که غریبه نیستید، را که پرتره‌هایی از چهره‌های مشهور ایرانی است به‌طور مشترک با مسعود زارعبان کارگردانی کرد. سهیلی به تازگی مستند پرتره دیگری با نام «فرهت، ساخته‌است که زندگی دکتر احمد‌شاه فرهت، پزشک افغانستانی متخصص اطفال در مشهد، را به تصویر می‌کشد. این فیلم که در خانه مستند انقلاب اسلامی تهیه‌شده و محصول سازمان اوج‌است متقاضی حضور در شانزدهمین جشنواره سینماحقیقت نیز شده‌است. به همین بهانه با او گفت‌وگوی کوتاهی کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

- از شرایط تولید فیلم بگویید. انگیزه‌تان چه بود و ماجرا چطور شروع شد؟
- مستند دکتر شاه فرهت درباره مهاجران نابغه‌است. تعریفی که از مهاجران در ذهن بیشتر مردم به‌ویژه در مشهد که شهر مهاجرپذیری است وجود دارد، خیلی با تصویر واقعی مهاجران متفاوت است. دوستان به من پیشنهاد کردند یک پرتره با همین نگاه از دکتر شاه فرهت بسازم.
- این پیشنهاد را چه کسی به شما داد؟
- مصطفی شوقی، تهیه‌کننده مستند، از من خواست نگاهی به زندگی فرهت‌داشته‌باشم. من همان ابتدا که از اطرافیان خودم پرس‌و‌جو کردم، فهمیدم آدم خاصی است. به‌هرکس می‌گفتمدکتر شاه‌فرهت‌رامی‌شناسی، می‌گفت: همان دکتری که دقیق می‌گوید بچه کی خوب می‌شود یا چه مشکلی دارد؟ یا یک بنده‌خدایی به من گفت: همان دکتری که باجن ارتباط دارد؟ دیدم چقدر همه این آدم‌را می‌شناسندو چقدر افسانه‌دور و بر این آدم هست.
- شما خودتان اورا می‌شناختید؟

نه، من نمی‌شناختم. وقتی از دوستان و خانواده پرس‌و‌جو کردم، دیدم چقدر جذاب‌است. به‌تهیه‌کننده گفتم: من شاه‌فرهت‌رامی‌سازم. خیلی سوژه‌اش خوب است. او گفت: دست‌نگه‌دار تا من تصویبش کنم. ولی من آدمی نبودم که دست‌نگه‌دارم. یک‌روز صبح رفتم بیمارستان امام‌رضا^(ع) و دکتر را دیدم و با او گپ‌زدم. دیدم چقدر شیرین و جذاب‌است. از آن طرف برنامه خندوانه دکتر را دیدم و دوست‌داشتم یک چیزی به‌این روایتی که‌ما‌از دکتر‌فرهت‌داشتیم‌افزافه‌کردم. دست‌کم همین روایتی‌را که‌ما‌مشهدی‌ها داریم کمی وسیع‌تر کنم که‌بقیه‌ایرانی‌هاهم بشنوند. با چند نفر از دوستانم تماس گرفتم، آقای غفوریان به‌عنوان فیلم‌بردار، آقای غیور صدرابدار و دوستان دیگر. گفتم: حاضرید برویم یک‌کار‌این‌طور انجام‌دهیم؟ دوستان آمدند پای کار و رفتم ضبط کردم. با دکتر و خانواده و اطرافیان او مصاحبه کردم. من یک فیلم‌نامه‌داشتم که در همان چند روز نوشته‌بودم و براساس آن جلو رفتم. دو روز که از ضبط‌ما‌گذشت، مصطفی شوقی پیام داد که ما پای کار هستیم. گفتم من کار را ضبط هم کرده‌ام. بعدش حمایت کردند و فیلم ساخته شد. من خودم



از پرتره دکتر فرهت توقع یک فیلم تلویزیونی ساده مخاطب‌پسند داشتم ولی نظر دوستان خیلی بهتر بود و حمایت کردند.

- واکنش دکتر وقتی شما موضوع را مطرح کردید چه بود؟
- گفت از من فیلم ساخته‌اند، همان‌ها هست. روز اول دکتر خیلی سخت بود. روز اول همان حرف‌هایی را زد که در خندوانه زده بود. شاه فرهت نگاهش این بود که ما می‌خواهیم مثل کارهای تلویزیونی مصاحبه کنیم ولی با ما راه‌آمد. در واقع دکتر به ما اطمینان کرد.

یعنی گارد داشت؟
نه، همان چیزی که‌شما‌در‌مطلب‌از دکتر‌می‌بینیدواقیعت اوست. ولی خصوصیت‌های خاصی دارد. ساعت ۶صبح می‌رود سرکار تا ساعت ۹ شب. ۹شب هم موبایلش را خاموش می‌کند و به‌زندگی‌اش می‌رسد. دکتر گفت در این مدت که‌شما‌بخواهیدضبط کنید، من نمی‌توانم عمل‌ها و وزیرت‌هایم را لغو کنم. گفتم شما هرچا هستید، من می‌آیم دنبال شما. خیلی با گروه ما خوش‌رووخوش‌برخوردبود. دوستی‌ما همچنان ادامه‌دارد. وقتی هم که فیلم رادید، تشکر کردو خسته‌نباشیدگفت. در کل دکتر آدمی خاص، کم‌حرف و بدون تعارف‌است. من در این فیلم شاید ۱۰درصد این شخصیت را هم نتوانسته‌ام نشان دهم.

- شما قبلا هم نوعی از مستند که پرتره خوانده می‌شود را کار کرده‌اید. این نوع مستند برای شما چه تعریفی دارد؟
- من تقریبا در پرتره تازه‌وارد هستم. دوسه سال پیش یکی از دوستان به من پیشنهاد کرد که تعدادی مستند پرتره بسازم به نام «شما که غریبه نیستید». سرپالش از تلویزیون پخش شد. وقتی هم که رفتم مستند دکتر فرهت را شروع کنم، فکر کردم مثل همان پرتره‌های تلویزیونی است. در آن کار شخصیت‌هایی مانند عثمان محمدپرست، مصطفی رحمان دوست، غلام‌پیروانی و آدم‌های خاصی را کار کرده‌بودم.

پرتره برای من بیشتر زندگی بود. یعنی با این شخصیت‌های خاص زندگی کردم و این‌برایم جذاب‌بود. دیدن این آدم‌ها برایم جذاب بود، آدم‌های متفاوتی که در حرفه‌خودشان موفق‌اند و هم‌نشینانی‌آنها را زشنمند است. من پیش از این یادداشتی برای شهرآرا نوشته‌بودم که مضمونش این بود که ما ۱۰ سال دیگر تبدیل می‌شویم به کتاب‌هایی که خوانده‌ایم، فیلم‌هایی که دیده‌ایم و آدم‌هایی که دوست‌داشته‌ایم، دوروبرشان

بوده‌ایم و آدم‌هایی که با آن‌ها زیست کرده‌ایم. پرتره از نظر من دقیقا همین‌است. من با آدم‌های خاصی، مدت کوتاهی زیسته‌ام. من فیلم‌ساز پرتره‌نگار خوبی نیستم. فقط با این شخصیت‌ها زندگی کرده‌ام.

- وجه تمایزی که این نوع مستند می‌تواند با گونه‌های دیگر داشته‌باشد چیست؟ در واقع این نوع مستند چه ارزش‌افزوده‌ای برای مخاطب دارد؟
- من در کل به این اعتقاد دارم که بعد از اینکه من فیلمی را نگاه می‌کنم، باید اتفاقی در من بیفتد. در «فرهت» فیلم‌نامه‌ای یک خطی در ذهن من بود، اینکه یک مهاجر با شرایط نابرابر در این اجتماع چطور نابغه‌ای می‌شود که‌ما‌الان می‌بینیم. اینچامن سهیلی می‌گویم آن قدر که دکتر فرهت دودید، اگر من هم می‌دویدم، به جایی می‌رسیدم. یعنی همان حرفی که دکتر فرهت زد. او در مستند می‌گوید: من نه جن دارم و نه ارتباطی با ماورا. تشخیص من فقط از روی تجربه و مطالعه‌است. شاید اگر بقیه هم این تلاش و مطالعه‌را داشته باشند، از این بهتر بتوانند تشخیص دهندند. این خیلی مسئله‌مهمی‌است.

- شما یک فیلم سینمایی هم به نام «زنانی که با گرگ‌ها دودیده‌اند» آماده‌نمایش دارید. اگران این فیلم در چه شرایطی قرار دارد؟
- منتظریم شرایط اکرانش مهیا‌شود. سئانس هنر و تجربه دوباره برگردد تا بتوانیم اکرانش کنیم.

- و همچنان می‌خواهید بین گونه مستند و سینمای داستانی رفت‌وآمد کنید؟

بله، این رفت‌وآمد را دوست دارم. از هیچ کدام نمی‌توانم دل بکنم. دنیای مستند و سینمایی، هر دو، خوب‌است. من در این فیلم‌ها زیست می‌کنم و این زیست را دوست دارم. بار زندگی در آن یک هفته‌ای که با دکتر فرهت زیست کردم، برایم مثبت‌بود و دوستش داشتم. نمی‌توانم از آن دل بکنم. از دنیای داستانی هم نمی‌توانم دل بکنم. این دو البته قریابت‌هایی هم با دارند. هر دو در سینما نمایش داده می‌شوند و خط داستانی دارند.

- من مستند‌هایم را با یک خط داستانی جلو می‌برم.

- درباره کارهای آینده‌تان اگر دوست دارید بگویید. کاری در مرحله تحقیق، نمایش یا تولید در دست دارید؟

الان نمی‌شود صحبت کرد. بگذارد برویم در دل کار و کمی جلوتر برویم. به‌غیراز دکتر فرهت دو مستند بین‌المللی دارم که آماده‌پخش‌اند. یکی از آن‌ها یک مستند بلند‌است به‌نام «همسات‌المکسوره» (نچو‌های شکسته‌شده) و دیگری یک مستند کوتاه به نام «مطر الاسود فی عینی» (ابر سیاه در چشمان من). این دو

- مستند عری هستند و در مورد جنگ سوریه ساخته شده‌اند. منتظر پخش بین‌المللی آن‌ها هستیم. درباره کارهای آینده هم یک فیلم‌نامه داستانی دارم که حضورم به‌عنوان نویسنده‌است و باید ببینیم به کجا می‌رسد. یک مستند کوتاه هم در مقام نویسنده و کارگردان دارم که در مرحله تدوین قرار دارد. هر دو این آثار موضوعات اجتماعی دارند.



ندارد. من به‌صورت مستقل فقط توانستم «بی‌بی» را بسازم که این اتفاق بیفتد و این سوژه‌ها دیده‌شوند ولی از یک جایی به بعد کار نیاز به حمایت و هل دادن دارد.

- حمایت از سمت چه کسی؟ منظورتان تهیه‌کننده‌است؟ «فرهت» را هم اگر تهیه‌کننده‌ای نداشت، خودتان به تنهایی کار می‌کردید؟
- بله، تهیه‌کننده مهم‌است. ما روز اول خودمان رفتم و کار را شروع کردیم و منتظر نشدیم که بودجه به ما برسد ولی من خوشبختم از اینکه با این تیم کار کردم. همه دوستان خیلی به کار لطف کردند. من با تهیه‌کننده رفاقت عمیقی دارم، مشاوره‌های او در دو مستند اخیرم که در سوریه ساخته‌ام خیلی به من کمک کرد. «فرهت» اولین تجربه مشترک‌مان بود. امیدوارم ادامه پیدا کند، چون تهیه‌کننده خیلی خوبی‌است.

- شما یک فیلم سینمایی هم به نام «زنانی که با گرگ‌ها دودیده‌اند» آماده‌نمایش دارید. اگران این فیلم در چه شرایطی قرار دارد؟
- منتظریم شرایط اکرانش مهیا‌شود. سئانس هنر و تجربه دوباره برگردد تا بتوانیم اکرانش کنیم.

- و همچنان می‌خواهید بین گونه مستند و سینمای داستانی رفت‌وآمد کنید؟

بله، این رفت‌وآمد را دوست دارم. از هیچ کدام نمی‌توانم دل بکنم. دنیای مستند و سینمایی، هر دو، خوب‌است. من در این فیلم‌ها زیست می‌کنم و این زیست را دوست دارم. بار زندگی در آن یک هفته‌ای که با دکتر فرهت زیست کردم، برایم مثبت‌بود و دوستش داشتم. نمی‌توانم از آن دل بکنم. از دنیای داستانی هم نمی‌توانم دل بکنم. این دو البته قریابت‌هایی هم با دارند. هر دو در سینما نمایش داده می‌شوند و خط داستانی دارند.

- من مستند‌هایم را با یک خط داستانی جلو می‌برم.

- درباره کارهای آینده‌تان اگر دوست دارید بگویید. کاری در مرحله تحقیق، نمایش یا تولید در دست دارید؟

الان نمی‌شود صحبت کرد. بگذارد برویم در دل کار و کمی جلوتر برویم. به‌غیراز دکتر فرهت دو مستند بین‌المللی دارم که آماده‌پخش‌اند. یکی از آن‌ها یک مستند بلند‌است به‌نام «همسات‌المکسوره» (نچو‌های شکسته‌شده) و دیگری یک مستند کوتاه به نام «مطر الاسود فی عینی» (ابر سیاه در چشمان من). این دو

- مستند عری هستند و در مورد جنگ سوریه ساخته شده‌اند. منتظر پخش بین‌المللی آن‌ها هستیم. درباره کارهای آینده هم یک فیلم‌نامه داستانی دارم که حضورم به‌عنوان نویسنده‌است و باید ببینیم به کجا می‌رسد. یک مستند کوتاه هم در مقام نویسنده و کارگردان دارم که در مرحله تدوین قرار دارد. هر دو این آثار موضوعات اجتماعی دارند.



می‌آید که او چرا دارد زندگی و سرگذشتش را بدون هیچ مقدمه‌ای برای تماشاکنان تعریف می‌کند؟ از اینکه بگذریم بازگر زن آن قدر تحت تأثیر احساسات نقش قرار گرفته‌است که در بیشتر اوقات گریه می‌کند و این گریه مانع از بروز حس و کنش دراماتیک می‌شود و حتی در جایی بیان را نیز مختل می‌کند. هرچند که باید گفت او در مجموع از حس خوبی برخوردار است و بازی نسبتا باورپذیری ارائه می‌کند. دیگر بازی‌ها نیز روان و در فضایی ذهنی موجز و بدون اضافات اتفاق می‌افتد. ریتم نمایش هم نسبتا مطلوب‌است. از این‌ها که بگذریم باید گفت خاتمی با شجاعت مسئله‌ای را مطرح می‌کند که شاید مبتلابه بخشی از خانواده‌ها و به‌ویژه زنان باشد.

او درواقع سیمای زن ایرانی و مسلمان را به‌به‌درستی و به‌خوبی ترسیم می‌کند؛ زنی که عاشق می‌شود، ازدواج می‌کند، عشقش شهید می‌شود و همچنان صبورانه و با خودگذشتگی بر جای می‌ماند تا مردی دیگر را به سامان برساند اما او نیز پس از جراحات ناشی از جنگ شهید می‌شود. این سیمای زن مبارز، عفیف، عاشق و باایمان ایران اسلامی است، زنی که پس از شهادت همسر دوشم و در آستانه چهل سالگی، مردی

ایستگاه خبر

طرح «سینما زیارت» در مشهد اجرا می‌شود؟



با توجه به سخنان استاندار خراسان رضوی درباره توجه به تولید آثار سینمایی با موضوع زیارت، اجرای طرح «سینما زیارت» در مشهد قوت گرفت. مشهد همیشه به واسطه حضور مضجع شریف علی‌بن موسی‌الرضا^(ع) به‌عنوان پایتخت معنوی ایران مطرح بوده و چه از نظر منابع انسانی و چه از نظر ایده‌دارای ظرفیت‌های گسترده‌ای برای تولید آثار فرهنگی‌است؛ با این‌حال آن‌گونه‌که باید نتوانسته‌ایم در عرصه سینما و تلویزیون آثاری را به‌صورت جدی و مستقیم در حوزه زیارت و زندگی‌آئمه^(ع)، از جمله امام‌رضا^(ع) در این شهر تولید کنیم.

بر این اساس مدت‌هاست که مسئولان خراسان رضوی با مطرح کردن مشهد به‌عنوان جهان‌شهری زیارتی که می‌توان از ظرفیت‌های آن برای تولید آثار سینمایی استفاده کرد نام برده‌اند و این دغدغه‌را می‌توان از سخنان شهردار، اعضای شورای شهر مشهد و مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی کامل‌ا حس کرد. محمد حسین زاده، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، پیش از این در گفت‌وگو با ایسنا درباره ساخت شهرک سینمایی در مشهد به‌زوم‌پشتیبانی‌نهادهای مختلف از جمله استان قدس رضوی اشاره و این‌را بیان کرده‌بود که در صورت ساخت، محوریت محتوایی شهرک سینمایی در مشهد باید مشخص شود تا روشن شود که یک شهرک عام خواهد بود یا یک شهرک محتوایی؛ آن هم متناسب با هویت مشهد و موضوع زیارت. در ادامه این اظهارنظرها، یعقوبعلی نظری، استاندار خراسان رضوی، نیز در جلسه‌امضای تفاهم‌نامه با رئیس سازمان سینمایی که دوروز پیش در مشهد برگزار شد به طرح سینما زیارت و ظرفیت تولید آثار سینمایی با محتوای زیارت در مشهد اشاره کرده و گفته‌است: ما در خراسان رضوی ظرفیتی استثنایی داریم که وجود پربرتک امام‌رضا^(ع) است و معتقدم اگر از لحاظ محتوایی بر این منبع غنی متمرکز شویم، کل فرهنگ و سینمای کشور دچار تحول خواهد شد. نظری با اشاره به حضور ۲۵ تا ۳۰ میلیون زائر در طول سال در شهر مقدس مشهد خاطرنشان کرده‌است: در کنار زیارت امام‌هشتم^(ع) می‌توان از برنامه‌های متنوع فرهنگی، سینمایی، تئاتر و... استفاده کرد و بهره‌مندی از این ظرفیت استثنایی مستلزم تمرکز ویژه‌ای در حوزه هنرهای نمایشی با نگاهی محتوایی‌است؛ زیرا سالانه شاهد حضور زائران بسیاری از نقاط مختلف جهان و ایران در مشهد هستیم. بر این اساس باید برنامه‌های محتوایی بسیاری فراهم شود تا زائران امام‌رضا^(ع) در ایام فراغت خود بتوانند از آن بهره‌مند شوند، زیرا بیان نیکی‌های آئمه^(ع) با زبان سینما، تئاتر و سایر هنرها منجر به جلب بیشتر مردم به این خاندان خواهد شد. حال باید منتظر ماند و دید که آیا با وجود چنین اظهارنظرهایی آیا بودجه‌ای نیز برای اجرای طرح سینما زیارت و تولید چنین آثاری اختصاص داده می‌شود یا ایده‌های مطرح‌شده فقط در حد حرف باقی خواهد ماند.

چارسوق هنر

آغاز پخش سریال «روزهای آبی» از تلویزیون



اولین قسمت سریال تلویزیونی «روزهای آبی» به کارگردانی محمدرضا حاجی غلامی و تهیه‌کنندگی پرویز امیری از ۲۸ آبان‌ماه، ساعت ۱۹ از شبکه ۵ سیما تماشایی شد. در این مجموعه تلویزیونی هنرمندانی همچون اکبر عبدی، نادر سلیمانی، مه‌ران رجبی، فریبا متخصص، ایرج نوذری، ویدا جوان، سامان صفاری، امیر غفارمنش، رامین ناصر نصیر و... نقش آفرینی کرده‌اند. «روزهای آبی» روایت زندگی خانواده‌ای است که در شرایط مالی سخت قرار می‌گیرد و مجبور می‌شود در روستایی ساکن شود و ارتباط آن‌ها با اهالی روستا، ماجرابی درام و طنزتری را پدید می‌آورد، زندگی خانواده‌ای که با توجه به مشکلات مالی پدر، مجبور به تجربه زندگی در روستای مادری‌اش می‌شود و این آغاز چالش‌های تلخ و شیرین آن‌ها در روستاست. سریال روزهای آبی ه‌رشب ساعت ۱۹ و تکرار آن ساعت ۲۳:۱۱ روز بعد از شبکه ۵ سیما پخش می‌شود.

۲ جایزه لس آنجلسی‌ها برای «جنگ جهانی سوم»



فیلم «جنگ جهانی سوم» موفق به کسب دو جایزه اصلی از هشتمین دوره جشنواره فیلم جهان آسیا در لس آنجلس شد. ساخته هومن سیدی پس از حضور موفق در جشنواره ونیز در سی و پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم توکیو نیز در بخش مسابقه اصلی به نمایش گذاشته شد و در نهایت جایزه ویژه هیئت داوران را به خود اختصاص داد. نشریه هالیوود ریپورتر نیز اخیرا در مطلبی با اشاره به پنج فیلم از جمله «جنگ جهانی سوم»، نماینده رسمی سینمای ایران در اسکار، از آن‌ها به‌عنوان شانس‌های غیرمنتظره شاخه بهترین فیلم بین‌المللی ۲۰۲۳ نام برده‌است که با تحت تأثیر قراردادن مخاطبان جهانی، حالا باید نظر اعضای آکامی را جلب کنند.

شهریار

ايشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۱ ۲۵ بهمن‌ايش ۱۴۰۲ ۲۵ مهر ۱۴۰۲

SHAHIRANEWS.IR



۱۱

۱۱